

نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرانیان شیعه

علی تصدیقی شاهرضائی^۱

سید رضا مؤدب^۲

چکیده

قرآنیان نام یک جریان فکری است که با تکیه بر وحدت امت اسلامی و شعار بازگشت به قرآن در سال‌های مشروطه و پس از آن، تحت تأثیر اندیشه‌های اصلاحی سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی توسط یکی از شاگردان ایشان به نام سید اسدالله خرقانی شکل گرفت و به وسیله‌ی چهره‌های دیگری همچون: شریعت سنگلجی، یوسف شعار، برقی، قلمداران و حسینی طباطبایی و... ادامه یافت. این گروه که قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانند، روش تفسیری قرآن به قرآن را شاخص فهم قرآن، قرار داده‌اند؛ اگرچه یکی از مهم‌ترین و معتبرترین روش‌های تفسیری، تفسیر قرآن به قرآن می‌باشد، لکن کاربرد این روش تفسیری از سوی ایشان در حوزه‌ی اعتقادات، با نقدهایی همچون عدم فراگیری، ناهماهنگی و ضعف در نتیجه‌گیری همراه بوده است که در این پژوهش به بررسی آن پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: روش تفسیری قرآن به قرآن، قرآنیون شیعه، اسدالله خرقانی، آیات مشابه، روایت تفسیری.

۱- دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

۲- استاد دانشگاه قم (استاد راهنما)

۱- مقدمه و طرح مسأله

در حوالی سال‌های مشروطه و پس از آن و در رویارویی با پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ی غرب و تهاجم همه‌جانبه‌ی استعمار به کشورهای اسلامی، جریان‌هایی در این ایران شکل گرفت که برخی دینی و برخی غیردینی بودند. یکی از این جریان‌ها که با هدف اتحاد امت اسلامی و با شعار بازگشت به قرآن و دوران طلایی چهل سال اول اسلام شکل گرفت؛ جریان قرآنیان شیعه است. طرفداران این جریان که قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانستند، چشم خود را بر روی بسیاری از روایات بستند و سنت را به‌طور جدی مورد نقد قرار دادند. چهره‌های شاخص این جریان، مهم‌ترین منبع تفسیر قرآن را خود قرآن و بهترین روش تفسیری برای آن را روش تفسیری قرآن به قرآن معرفی کردند.

از آنجا که تاکنون در نقد و بررسی روش قرآنیان شیعه در تفسیر قرآن به قرآن، کار کاملی صورت نگرفته است، این تحقیق می‌تواند پاسخگوی این سوال باشد که آیا قرآنیان شیعه در به‌کارگیری روش تفسیری قرآن به قرآن، روش منحصر به فردی را دنبال کرده یا مانند دیگر مفسران، در این زمینه عمل نموده‌اند و آیا این افراد در اجرای این روش تفسیری به دیدگاه‌های خود پایبند بوده‌اند یا خیر؟

ضمناً با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین اهداف شکل‌گیری این جریان، دعوت امت اسلامی به اتحاد و در نتیجه آن، بازگشت به شوکت اولیه‌ی اسلام و بهترین وسیله برای تحقق این امر، بازگشت به قرآن بوده است؛ وحدت و هماهنگی ایشان در دیدگاه‌ها و به‌خصوص روش تفسیری‌شان و کمال و قوت ایشان در به‌کارگیری این روش از ضروریات به نظر می‌رسد. بنابراین در این تحقیق، سعی بر آن است که نخست دیدگاه‌های قرآنیان شیعه در روش تفسیری قرآن به قرآن، معرفی گردد و سپس میزان پایبندی آنان به این دیدگاه، نقد و بررسی قرار گیرد.

۲- معرفی مهم‌ترین چهره‌های قرآنیان شیعه و آثار آنها

۱-۲- سید اسدالله خرقانی

سید اسدالله میراسلامی معروف به خرقانی (۱۳۵۵-۱۲۵۴ق) اولین کسی است که با شعار بازگشت به قرآن، شکل‌گیری جریان قرآنیان شیعه را در ایران رقم زد. او قریب ۲۵ سال در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف تحصیل کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید (جعفریان، مقدمه، ص ۷). خرقانی در نجف، بیش از همه، شاگرد آخوند خراسانی و در دستگاه وی بود (کرمانی، ۱/ ۶۱) و در همین حوزه‌ی درسی همراه شماری دیگر از طلاب جوان، دسته‌ای از روحانیون متجدد را در آستانه‌ی انقلاب مشروطه پدید آورد (فقیه حقانی، سخنرانی).

روحیه‌ی نواندیشی و تجددگرایی وی را نمی‌توان بی‌ارتباط با شرکت او در درس شیخ هادی نجم‌آبادی دانست. خرقانی ملاقات‌هایی هم با سید جمال‌الدین اسدآبادی داشته (جعفریان، ۲ و ۲۶) که قطعاً این ملاقات‌ها بر افکار و اندیشه‌های او بی‌تأثیر نبوده است. از سوی دیگر، خود خرقانی هم شخصیتی تأثیرگذار داشته است و افراد زیادی

تحت تأثیر وی قرار گرفته‌اند. از جمله‌ی شاگردان او می‌توان از طالقانی، بازرگان، نور محمدی - که محو الموهوم او را نوشته است - و صادق تقوی نام برد (حسینی ورجانی، خاطرات). شریعت سنگلجی هم از جمله‌ی کسانی است که در مجلس درس تفسیر خرقانی حاضر می‌شده و از منهج او تأثیر می‌پذیرفته است (جعفریان، ۸۸۲).

بعضی از دیدگاه‌های خرقانی بر اساس نوشته‌هایش در کتاب محو الموهوم، عبارت‌اند از: حدیثی را که با نص قرآن مخالف باشد باید کنار گذاشت؛ چون قرآن مرجع اصلی و اساسی دین است و اخبار صحیح، چیزی جز شرح آن نیست (خرقانی، ۷۲، ۱۳ و ۷۶). معیار شناخت دین اصیل و واقعی از چیزهایی که در آن وارد شده، سه چیز است: اول: قرآن دوم: آن مقدار از سنت که مورد اتفاق همه‌ی فرق اسلامی است. سوم: سیره‌ی پیامبر (ص) در طول ۲۳ سال تبلیغ (خرقانی، ۱۳-۱۲). اولوا الامر در اسلام، انتخابی است (خرقانی، ۳۸-۳۹) و «عموم فرق اسلامی در مسئله‌ی اولوا الامر، به اشتباه رفته‌اند؛ زیرا آیه‌ی اولوا الامر، از روز اول فراموش شد» (خرقانی، ۴۲). «متدین کسی است که به تمام اقوال و افعال بیست و سه ساله‌ی ذات اقدس - سما قدره - عمل و از آن حضرت پیروی نماید تا مصداق مسلم و علاقه‌مند به قرآن و پیرو دین محمد (ص) باشد؛ پس از آنکه مصداق مؤمن شد، به هر یک از مذاهب مختلفه‌ی مسلمین داخل شود و برای تحصیل و وقوف بر بعضی دقایق دینی، هر نام و عنوانی بر خود گذارد، حرجی بر او نخواهد بود» (خرقانی، ۱۵۸).

برخی از آثار خرقانی عبارت‌اند از: ۱- رساله در مفهوم و مصداق اولوا الامر قرآنی ۲- کتاب محو الموهوم و صحوال معلوم.

۲-۲- شریعت سنگلجی

محمدحسن (شریعت) سنگلجی (۱۳۶۳-۱۳۱۰ق) که برخی نام او را رضاقلی (مدرسی چهاردهی، ش ۱۱۶، ۸۷۶) و برخی دیگر غلامرضا (جعفریان، ۸۸۱) ذکر کرده‌اند؛ یکی از معروف‌ترین قرآنیان شیعه است که از سوی برخی پژوهشگران (حب الله، ۶۱۲)، بنیان‌گذار اندیشه‌ی قرآنی در ایران نام گرفته است. او نزد علمای تهران شروع به تحصیل کرد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و مدت چهار سال و اندی در نجف بود و بار دیگر در سال ۱۳۴۰ قمری به تهران مراجعت کرد (سنگلجی، محو الموهوم، ۳-۷).

برخی از دیدگاه‌های شریعت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: قرآن برای همه، قابل فهم است (سنگلجی، ۲۱) و فهم آن، مبتنی است بر شناسایی اسباب نزول (سنگلجی، ۲۹) و نیازمند شناختن احوال عرب در آن عصر می‌باشد (سنگلجی، ۳۲). علت بدبختی مسلمانان این است که دین را از قرآن نمی‌گیرند و تعمق در آیات آن نمی‌کنند (سنگلجی، ۳). احکام شریعت در قرآن، کلی و نیازمند سنت است (سنگلجی، ۳۸). به دست کردن حلقه، انگشتر، نخ یا امثال آن‌ها، برای دفع بلاء (سنگلجی، توحید عبادت، ۴۹)، تبرک به درخت، سنگ و امثال آن‌ها (سنگلجی،

توحید عبادت، ۵۷)، ذبح و قربانی برای غیر خدا (سنگلجی، توحید عبادت، ۶۱) و دعای توسل و استغاثه به غیر خدا (سنگلجی، ۷۲)، از اقسام شرک است.

سنگلجی آثار متعددی از خود بر جای گذاشته است که برخی از این آثار عبارت‌اند از: توحید عبادت، کلید فهم قرآن، محو الموهوم و البدع و الخرافات.

۲-۳- حکمی زاده

علی اکبر حکمی زاده (۱۳۴۶-۱۲۸۰ش) یکی دیگر از قرآنیان است که علاوه بر تحصیل علوم دینی، در مجالس عزاداری به مرثیه و روضه خوانی می پرداخت. مورخان او را از خطیبان سخنور و مرثیه خوانان خوش صدا به شمار آورده‌اند (ویکی پدیا).

او مسائلی از قبیل: احادیث، اصل امامت، عزاداری و ثواب آن و ابدی بودن قوانین اسلام را به چالش کشیده و پیرامون موضوعاتی همچون: ناسازگاری برخی از احادیث با عقل و زندگی و علت عدم علاقه‌ی مردم به دین، سؤالاتی مطرح و از علما در مورد آن پاسخ خواسته است (حکمی زاده، ۴۹، ۴۱، ۲۳، ۱۴ و ۵۵).

برخی کتاب‌های برجای مانده از او عبارت‌اند از: اسرار هزارساله، آیین پاک، و راه نجات از آفات تمدن عصر.

۲-۴- میرزا یوسف شعار تبریزی

میرزا یوسف شعار تبریزی (۱۳۹۲-۱۳۲۰ق) یکی دیگر از قرآنیان شیعه است که در تبریز و تهران، مکتب تفسیر قرآن راه انداخت و با نوشتن کتاب تفسیر آیات مشکله، شهرت یافت. او در بیست سالگی به مدرسه‌ی علوم دینی (طالبیه و جعفریه) تبریز رفت و به تحصیل علوم فقه و اصول و معانی و بدیع پرداخت. ضمناً همزمان، برخی از علوم دینی را در همان جا تدریس می کرد (مجلس تفسیر تبریز، ۷).

دیدگاه‌های شعار را می توان در موارد زیر خلاصه کرد: «تنها با چنگ زدن به رشته‌ی قرآن می توان اختلافات شایع بین مسلمانان را حل کرد؛ شیوه‌ی اجرای آن هم این است که همان راه و روشی را که امام علی (ع) بعد از پیامبر (ص) بزرگوار اسلام برای حفظ وحدت جامعه‌ی اسلامی انتخاب کرد، برگزینند» (مجلس تفسیر تبریز، ۱۸). «قرآن مجید، مستقل بالفهم است و در تفسیر آیات، به اخبار و شأن نزول‌ها اعتماد کلی نمی توان کرد. در مورد احکام نیز هر چند وجود سنت ضروری است، باید به اخبار متواتر و در صورت نبود آن به اخبار اطمینان آور اکتفا کرد» (مجلس تفسیر تبریز، ۱۴). معانی تمام آیات قرآن قابل درک است (مجلس تفسیر تبریز، ۲۲-۲۳). «عقاید مسلمانان با مقدار زیادی از خرافات و بدعت‌ها که با نص قرآن ناسازگار است آمیخته شده است (همانجا، ۲۵-۲۶).

میرزا یوسف شعار دارای تألیفاتی عمدتاً در حوزه‌ی تفسیر و علوم قرآنی است. این تألیفات عبارت‌اند از: تفسیر آیات مشکله، رساله‌ی محکمت و متشابهات در قرآن، تفسیر سوره‌ی جمعه و منافقون، مقدمات تفسیر و رسائل تفسیری.

۲-۵- فرید تنکابنی

عبدالوهاب فرید تنکابنی (۱۳۶۰-۱۲۸۶ش) یکی دیگر از قرآنیان و شاگرد شریعت سنگلجی است که با نوشتن کتاب اسلام و رجعت شهرت یافت. او مقدمات را در محل سکونت خود نزد پدر و دیگران آموخت و جهت تکمیل تحصیلات خود به اصفهان، تهران و سپس قم عزیمت کرد و در آنجا به درجه‌ی اجتهاد نائل آمد (مرسلوند، ۱۱۶/۵).

دیدگاه‌های فرید را بر اساس آنچه در کتاب اسلام و رجعت آمده است می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: باید به «قرآن کریم، به این حبل‌الله متین متمسک شد، و آئین پاک اسلام را همان‌طوری که در دوره‌های رشد و نمو اسلام معمول بوده عمل نمود» (فرید تنکابنی، ۶). در بین روایات، اخبار جعلی فراوانی در بخش اعتقادات وجود دارد که یک‌هزارم آن در بخش احکام، جعل نشده است» (فرید تنکابنی، ۶۵). «عقاید خرافاتی و بدعت‌ها را که هیچ ارتباطی با قرآن نداشته و باعث بی‌میلی مردم به اسلام گردیده‌اند، باید پاک‌سازی کرد» (فرید تنکابنی، ۵). «رجعت، از عقاید غلوآمیز و خرافاتی و بنابراین مردود است» (فرید تنکابنی، ۱۰۷-۱۰۸ و ۱۳۳-۱۳۵). برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «اسلام و رجعت» که مهم‌ترین اثر او بود و باعث شهرت وی گردید. «اسلام چنانکه بود» و کتابی به نام «روش زندگی» که ترجمه‌ای است از کتاب اویبوری انگلیسی.

۲-۶- سید ابوالفضل برقی

سید ابوالفضل برقی (۱۳۷۰-۱۲۸۷ش) یکی از شاخص‌ترین و تندروترین افراد جریان قرآنی است. او پس از گذراندن مقدمات و سطح، به درس خارج فقه و اصول رسید و آن‌ها را نیز فراگرفت و در عین حال به تدریس مقدمات برای طلاب جوان نیز اشتغال داشت. برقی بخشی از تحصیلات دینی خود را نیز در نجف اشرف گذرانده و در آنجا از بعضی مراجع، کسب درجه‌ی اجتهاد کرده است (برقی قمی، ۱۰ و ۱۱). دیدگاه‌های برقی از جمله‌ی تندترین دیدگاه‌های قرآنیان نسبت به اعتقادات شیعه به شمار می‌رود. او معتقد است: «برای اینکه فریب اخبار مجعول را نخوریم و اسیر خرافات نشویم، آشنایی با قرآن کریم بهترین وسیله‌ی نجات است» (برقی قمی، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، ۱۰۰۶). «انبیاء (ع) پس از وفات خود از امت خویش خبر ندارند و در عالم باقی از عالم فانی، بی‌خبر و آسوده‌اند» (برقی قمی، سوانح ایام، ۲۴۹). «کتب مذهبی مانند کافی و بحار مملو از مطالب ضد قرآن و عقل است و از امامان هدایت نیست و پرداخته‌ی دشمنان است» (برقی قمی، همانجا، ۲۵۰). «مهدی منتظری که طبق عقیده و روایات شیعه می‌آید و برای جهان عذاب و نعمت است و مردم جهان را با شمشیر می‌کشد و به‌زور، همه را به اسلام وارد می‌کند و تازیر شکم اسبش خون بالا می‌آید و کافری در دنیا نمی‌ماند برای اینکه پنج سال یا هفت سال ریاست کند، صحیح نیست و برخلاف آیات و سنت الهی است» (برقی

قمی، همانجا، ۲۵۰). « این عقیده‌ی شیعه که ائمه به دنیا بازمی‌گردند و مخالفان خود را از قبور بیرون می‌آورند و به آتش می‌کشند و جزا می‌دهند؛ صحیح نیست» (برقی قمی، همانجا، ۲۵۱).

تعدادی از مهم‌ترین تألیفات او که پس از تغییر عقیده نوشته است عبارت‌اند از: نقد المراجعات و الرد علیها، به زبان عربی، تابشی از قرآن، ترجمه‌ی احکام القرآن شافعی، ترجمه‌ی عقیده‌ی اسلامیة از تألیفات محمد بن عبدالوهاب، ترجمه‌ی مسند امام زید بن علی، اصول دین از نظر قرآن، خرافات و فوور در زیارت قبور، تضاد مفاتیح الجنان با آیات القرآن، بررسی علمی در احادیث مهدی، بت‌شکن یا عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، رهنمود سنت در رد اهل بدعت و ترجمه‌ی مختصر کتاب منهاج السنه، از تألیفات ابن تیمیه.

۲-۷- حیدرعلی قلمداران

حیدرعلی قلمداران (۱۳۶۸-۱۲۹۰ش) یکی از افراد قرآنی است که کتاب‌های زیادی تألیف کرده و با برقی و حسینی طباطبایی هم‌دوره بوده و ارتباط تنگاتنگی داشته است. او فاقد هرگونه مدرک تحصیلی و تحصیلات حوزوی بود و تنها معلم وی، پیرزنی بوده که مقداری قرآن به او آموخته است (حسینی ورجانی، گک). او حوالی سی‌سالگی در تهران به خدمت آموزش و پرورش درآمد و از همین سال‌ها بود که فعالیت‌های فرهنگی و نگارشی وی از طریق همکاری با نشریات و مطبوعات غالباً دینی آغاز گردید (زرنگار، ۵ و ۶).

برخی از دیدگاه‌های او عبارت‌اند از: «کسی که از جانب مسلمین برانگیخته شد امام مفترض الطاعه است و مادامی که در اطاعت خدا است مخالفتش حرام است؛ پس انحصار آن به امام معصوم بدون دلیل و بی‌معنی است» (قلمداران، الف، ۱۸۶). «خمس فقط مربوط به غنائم جنگی است» (قلمداران، خ، ۱۸۷). «انهدام یک رکن مهم اسلام، ترک جمعه است» (قلمداران، الف، ۲۰۴). «ساختن بقعه و پرداختن دخمه و پرستش اموات، یکی از آداب و سنن ادیان خرافی و باطله‌ی قبل از اسلام بوده است» (قلمداران، الف، ۲۳۷). «اکثر اعمالی که در میان شیعیان به نام شعایر دین صورت می‌گیرد از قبیل تعمیر مقابر و تعظیم مشاهد و عزاداری‌ها و زنجیرزنی و نذر برای غیر خدا و موقوفات و توسلات و ... اگر به دیده‌ی تحقیق نگریسته شود مخالف شرع انور و مباین با تعالیم پیامبر و ائمه‌ی بزرگوار اسلام بوده و شرک خالص است» (قلمداران، الف، ۲۸۵).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: کتاب ارمغان آسمان در بیان عوامل و علل ارتقاء و انحطاط مسلمانان، حکومت در اسلام، حج یا کنگره‌ی عظیم اسلامی، حقایق عریان در اقتصاد قرآن [«زکات»]، خمس، راه نجات از شرّ غلات که در پنج قسمت تألیف شده است، شاهراه اتحاد و کتاب سنت رسول از عترت رسول.

۲-۸- سید صادق تقوی

سید صادق تقوی (۱۳۷۳-۱۲۹۲ش) در تجریش به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا سال ۱۳۱۶ ادامه داد و پس از طی دوره‌ی دانشکده‌ی دندانپزشکی، فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۲۰ به استخدام وزارت بهداشتی در آمد و در سال ۱۳۴۷ بازنشست شد (جعفریان، جریانها و سازمانهای مذهبی و...، ۹۰۹).

از مهم‌ترین دیدگاه‌های تقوی این بود که با تقسیم اسلام به قدیم و جدید، اسلام قدیم را اسلام تحریف‌شده می‌دانست و معتقد بود: «مکتب اسلام واقعی در اثر هوا و هوس و اغراض شخصی پیشوایان ادیان در دوران تاریخ چندین بار تحریف شده و از صورت پاک و صحیح اولیه به صورت‌های خرافی و پست جلوه کرده ... و اینک ما آن اسلام واقعی را به دست آورده و تجدید می‌نماییم و چون اصول علمی ما برای کشف حقایق اسلام تازگی دارد و از طرفی نام اسلام را پیشوایان سوء بدنام کرده‌اند، ما مجبوریم آن مکتب پاک و عالی را به نام مکتب جدید اسلام معرفی نماییم» (تقوی، ۴). او به جز قرآن، عمل فعلی مردم مکه و مدینه را در احکام قابل استناد می‌دانست (تقوی، ۴۱) و معتقد بود که در هر زمان امام زمانی وجود دارد و در عصر خویش، خود او یعنی دکتر تقوی امام زمان است. وی که خود را سنی نبوی و شیعه نبوی می‌خواند، گفتن «حی علی خیر العمل» را به دلیل این که معنایش متناسب نیست، جایز نمی‌دانست، چراکه - از نظر او - نماز بهترین اعمال نیست، بلکه یکی از اعمال خوب است (جعفریان، جریانها و سازمانهای مذهبی و...، ۹۱۲).

برخی از مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: مواد اساسی حکومت اسلام، چگونه نماز بخوانیم، دوازده قاعده رفع اختلاف مسلمین، قوانین ارث اسلام و ترجمه و تفسیر قرآن به ترتیب نزول سوره‌ها.

۲-۹- حسینی طباطبائی

سید مصطفی حسینی طباطبائی در سال ۱۳۱۴ش در خانواده‌ای متدین و اهل علم به دنیا آمد. او از نوادگان آیت‌الله طباطبائی بزرگ از سران انقلاب مشروطه است. وی در نوجوانی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد اما هرگز لباس روحانیت برتن نکرد (مختصری از زندگینامه‌ی استاد سید مصطفی حسینی طباطبائی، ۱-۵).

مهم‌ترین دیدگاه‌های او عبارت‌اند از: «قرآن کریم بدون حدیث، قابل فهم است» (حسینی طباطبائی، ر، ۱۵۰). «باید شرح مجملات قرآن را به سنت احاله کنیم؛ مانند شرایط بعضی از احکام که در قرآن مجید نیامده‌اند و در این باره استبداد به رأی نشان ندهیم» (حسینی طباطبائی، ر، ۱۴۵). «موضوع امامت از دیدگاه محکّمات قرآن مجید، به اعتبار ماهیت، از حکومت رسمی و امارت جدا است» (حسینی طباطبائی، ر، ۱۵۸). سجده بر مهر جزو مستحذات است (حسینی طباطبائی، آ، ۸).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: راهی به سوی وحدت اسلامی، خیانت در گزارش تاریخ، دین ستیزی نافرجام، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، نقد کتب حدیث، فتح البیان فیما روی عن علی من تفسیر القرآن، علی بین

التقصیر و الغلو، آیا سجده بر غیر زمین جایز است؟، قرآن بدون حدیث هم قابل فهم است، دفاع از شمشیر اسلام و بررسی آراء اخباری و اصولی.

روش تفسیری قرآن به قرآن و دیدگاه قرآنیان شیعه در خصوص آن

روش تفسیری قرآن به قرآن، که از سوی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و مفسران بزرگی در دوره معاصر همچون علامه طباطبایی مورد استفاده قرار گرفته و به گفته ابن تیمیه نیز یکی از بهترین روش‌های تفسیر قرآن است (ابن تیمیه، ۹۳)، در صورت رعایت قواعدش، روشی پسندیده است که قرآنیان هم نه تنها از این روش استفاده کرده بلکه آن را در صدر روش‌های تفسیری خود قرار داده و معتقدند: «باید تفسیر آیات قرآن را اول از خود قرآن اخذ نمود و اگر تفسیر آن در قرآن نباشد باید مراجعه به سنت نمود» (سنگلجی، ۱۵؛ حسینی طباطبایی، ب، ۱۱۵). با توجه به اینکه روش تفسیری قرآن به قرآن عبارت است از تفسیر آیات قرآن به وسیله دیگر آیات مشابه و متحد الموضوع، اختلاف چندانی نمی‌توان در دیدگاه صاحبان این روش تفسیری مشاهده کرد؛ بنابراین این بهتر است نقد و بررسی قرآنیان شیعه را در استفاده از این روش تفسیری، در عملکرد ایشان پیگیری نماییم. با نگاهی به آثار تفسیری قرآنیان شیعه که نمونه‌های از آن در ذیل می‌آید، می‌توان نقد شیوه استفاده آنان از روش قرآن به قرآن را در چهار بخش مورد بررسی قرار داد.

۳-۱- فراگیر نبودن استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن از سوی قرآنیان شیعه

در قرآن مجید پیرامون برخی از موضوعات، آیات مشابهی وجود دارد و برخی از موضوعات هم هستند که دارای آیات مشابه نیستند؛ بنابراین بر کسانی که از روش تفسیری قرآن به قرآن استفاده می‌کنند؛ به خصوص آن‌هایی که این روش تفسیری را بهترین روش برای تفسیر قرآن می‌دانند و آن را در صدر روش‌های خود قرار می‌دهند، لازم است که در تفسیر آیاتی با موضوع مشترک حتماً همه‌ی این آیات را مدنظر قرار دهند تا روش تفسیری‌شان کامل باشد و اگر مواردی مشاهده شد که آن‌ها به این موضوع توجه نکرده‌اند، روش تفسیری‌شان با نقصان مواجه می‌شود. با مراجعه به برخی کتب از جمله دو کتاب تفسیری قرآنیان، (تابشی از قرآن و تفسیر آیات مشکله) می‌بینیم که این روش تفسیری از سوی آنان به صورت کامل رعایت نشده است؛ به عنوان مثال، برقی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (راه کسانی که به آنان نعمت عطا کردی، هم آنان که نه مورد

۱- نخستین قاعده در این روش تفسیری کنار گذاشتن نظریه استقلال یا کفایت قرآن در تفسیر است که هرچند طرفدارانی دارد اما همان‌طور که گفته شد حتی خود قرآنیان هم آن را به طور کامل قبول ندارند و فهم قرآن را مبتنی بر شناخت اسباب النزول احوال عرب عصر نزول و تاریخ و لغت و ... و فهم مجملات آن را متوقف بر سنت می‌دانند. قاعده‌ی دوم اینکه بدانیم با این روش تفسیری نمی‌توان کل قرآن را تفسیر کرد چون ممکن است در قرآن آیاتی باشد که از نظر لفظ و معنی تنها یک‌بار در قرآن به کار رفته باشند؛ علاوه بر اینکه در این روش تفسیری ملاحظه تاریخ و شان نزول آیات، بسیار ضروری است چون، بدون آگاهی از تاریخ نزول آیات نمی‌توان تفسیر صحیحی ارائه و آیات ناسخ و منسوخ را تعیین کرد و بدون شناخت شأن نزول برخی از آیات، تفسیر دقیقی از آن‌ها به دست نمی‌آید؛ بنابراین، روش تفسیری قرآن به قرآن به تنهایی نمی‌تواند روش کامل و بدون نقصی باشد. (برای آگاهی بیشتر نک: عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، تهران).

خشم تواند و نه گمراه‌اند. (الفاتحه، ۷) بدون هیچ اشاره‌ای به آیه‌ی «وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» یعنی: و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره‌ی کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند. (النساء، ۶۹) به تفسیر آیه پرداخته و حرفی از اینکه چه کسانی مورد انعام الهی قرار گرفته‌اند به میان نیاورده است؛ (برقی قمی، ت، ۷۳/۱) درحالی که آیه‌ی دوم به روشنی مشخص کرده است که مؤمنان، در صورت اطاعت از خدا و رسول با پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان - که همگی مورد انعام الهی قرار گرفته‌اند - خواهند بود.

و در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» یعنی: این کتاب، که هیچ شکی در آن نیست؛ سراسر برای پرهیزکاران هدایت است. (البقره، ۲) نیز بدون اشاره به آیه‌ی «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ...» یعنی: ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سرتاسرش هدایتگر مردم است ... (البقره، ۱۸۵)، متقین را بر کسانی حمل کرده است که جلو ضرر احتمالی را بر خود می‌گیرند (برقی قمی، ت، ۷۴/۱) درحالی که اگر به آیه‌ی دوم توجه کرده بود تفسیر وی متفاوت می‌شد؛ چون با توجه به آیه‌ی دوم می‌توان هدایت قرآن را به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم کرد که هدایت اولیه شامل همه انسان‌ها می‌شود و هدایت ثانویه به متقین اختصاص دارد.

همچنین در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (آل عمران، ۱۸۰) می‌گوید: «و جمله‌ی: سَيُطَوَّقُونَ... دلالت دارد که چون زکات مالی داده نشد آن مال مجسم گردد به شکل افعی و روز قیامت به گردن صاحبش پیچد؛ چنانکه در حدیثی آمده [است]» (برقی قمی، ت، ۲۶۴/۱).^۱ او بدون اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی «يَوْمَ يَخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فُتَكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنُزُونَ» (التوبه، ۳۵) یعنی: روزی که آن اندوخته‌ها را در آتش دوزخ به شدت گرما دهند و پیشانی و پهلو و پشتشان را به آن داغ کنند [و به آنان نهب زند] این است ثروتی که برای خود اندوختید، پس کیفر زراندوزی خود را بچشید. به تفسیر آیه‌ی اول پرداخته است؛ در صورتی که اگر به آیه‌ی دوم توجه می‌کرد تفسیر او از دقت و اعتبار بیشتری برخوردار می‌شد؛ چون با استفاده از آیه‌ی سوره‌ی توبه می‌توان نتیجه گرفت که طلا و نقره‌ای که در دنیا جمع می‌کردند؛ در آخرت به صورت گداخته و آتشین به شکل حلقه‌ای بر گردن آن‌ها نهاده می‌شود.

در اینجا ممکن است گفته شود، کتاب تابشی از قرآن، کتاب تفسیری نیست؛ بلکه ترجمه‌ای از قرآن است؛ بنابراین لازم نیست قواعد تفسیر در آن رعایت شود. در پاسخ این اشکال می‌گوییم اولاً: ترجمه، عبارت است از برگردان

^۱ - نمونه‌ی دیگر: همان، ص ۲۹۳.

متنی از زبان مبدأ به زبان مقصد، بدون هیچ شرح و توضیح اضافه؛ درحالی که در کتاب تابشی از قرآن، پس از ذکر آیات، ابتدا ترجمه و سپس شرح و توضیح آیات بیان شده است. ثانیاً: این کتاب توسط خود برقی تفسیر نامیده شده است (برقی قمی، ت، ۲/ ۸۲۰).

در کتاب تفسیر آیات مشکله هم هرچند استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن وسیع تر است اما نه به این معنی که استفاده از آن فراگیر و صد در صد باشد؛ به عنوان نمونه، یوسف شعار در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ أَمْنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَكَمْ يَخْشَى اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» یعنی: آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را بر پا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند. (التوبه، ۱۸) با توجه به آیه‌ی قبل از آن و بدون اشاره به آیه‌ی «أَوْ كَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا...» یعنی: آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا با تأمل بنگرند سرانجام کسانی که پیش از اینان بودند چگونه بود؟ آنان قوی‌تر و نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را زیر و رو کردند و آن را بیش از آنچه اینان آبادش کردند، آباد نمودند... (الروم، ۹) به تفسیر آیه پرداخته و تعمیر مساجد را در این آیه، بر تعمیر معنوی حمل کرده است؛ (شعار، ۱۷۵) درحالی که چنین تأویلی نه شاهده‌ی دیگر آیات دارد و نه تناسبی با ظاهر لغت و اگر به آیه‌ی دوم توجه کرده بود، به این نتیجه می‌رسید که عمارت در قرآن به معنی آباد کردن و تعمیر ظاهری به کاررفته است نه تعمیر باطنی؛ بنابر این، در آیه‌ی مورد نظر هم منظور از آباد کردن مساجد، تعمیر ظاهری آن است؛ چون کفار و مشرکان که منکر وجود خداوند هستند، مسلماً برای اقامه نماز به مساجد نمی‌آیند تا با این کار خود مساجد را از نظر معنوی آباد کنند.

۳-۲- بی توجهی به برخی از آیات مشابه و همسو در تفسیر قرآن به قرآن

روش تفسیری قرآن به قرآن در صورتی کامل و مفید خواهد بود که مفسر، با اشراف و احاطه‌ی کامل به تمام آیات مشابه و همسو، به تفسیر آیات قرآن پردازد؛ در غیر این صورت، تفسیر او با نقصان مواجه و دچار اشکالاتی خواهد شد؛ به عنوان نمونه، برقی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» یعنی: چگونه به خدا کفر می‌ورزید درحالی که مرده بودید، پس شما را حیات بخشید، سپس شما را می‌میراند، آنگاه دوباره زنده می‌کند، سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید (البقره، ۲۸) به آیه‌ی «لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» یعنی: در آنجا مرگ را نمی‌چشند، مرگ آنان همان مرگی بود که در دنیا چشیدند، و خدا آنان را از عذاب دوزخ مصون می‌دارد. (الدخان، ۵۶) و آیات «ثُمَّ إِلَيْكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ثُمَّ إِلَيْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ» یعنی: سپس همه شما بعد از این می‌میرید. آنگاه شما مسلماً روز قیامت برانگیخته می‌شوید (المومنون، ۱۵ و ۱۶) اشاره کرده (برقی قمی، ت، ۱/ ۸۴)، درحالی که به آیه‌ی «الَّذِينَ يَرِثُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ

عَشِيَا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» یعنی: آتش است که صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، و روزی که قیامت برپا شود، فرعونیان را در سخت‌ترین عذاب در آورید. (الغافر، ۴۶) توجهی نکرده است؛ در حالی که در این آیه، ابتدا به عذابی که آل فرعون صبح و شب گرفتار آن هستند و سپس به عذاب روز قیامت اشاره شده است و این مطلب می‌تواند شاهی بر وجود حیات برزخی باشد و دست کم از سوی مفسر، جای بررسی و موشکافی داشته است.

۳-۳- لغزش برخی از قرآنیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به قرآن

با مراجعه به تفاسیری که قرآنیان با استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن ارائه کرده‌اند، درمی‌یابیم که برخی از این تفاسیر صحیح و قابل قبول نبوده است؛ به عنوان نمونه، یوسف شعار در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» یعنی: ای اهل ایمان! از انواع میوه‌ها و خوردنی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم، بخورید و خدا را سپاس گزارید، اگر فقط او را می‌پرستید. (البقره، ۱۷۲) با استشهاد به آیه‌ی «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» و آیه‌ی «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» یعنی: بگو: زینت‌های خدا و روزی‌های پاکیزه‌ای را که برای بندگانش پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟! بگو: این در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [البته اگرچه غیر مؤمنان هم با آنان در بهره‌وری شریک‌اند، ولی] در قیامت فقط ویژه‌ی مؤمنان است؛ ما این گونه آیات خود را برای گروهی که می‌دانند، بیان می‌کنیم. (الاعراف، ۳۲)؛ جمله‌ی «إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» را متعلق به «كُلُوا» گرفته و آیه را این گونه معنی کرده است «ای مؤمنین! از روزی‌ها بخورید اگر به خدا عبادت‌کنندگانید» (شعار، ۷۴-۷۵)؛ در حالی که اگر به آیه‌ی «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» یعنی: ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است. (البقره، ۱۶۸) توجه می‌کرد می‌توانست به این نتیجه برسد که امر به خوردن از روزی‌های حلال و پاکیزه‌ی زمین، مشروط به عبادت خدا نیست؛ چون این دستور اباحی، با خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» به همه‌ی مردم، صرف نظر از ایمان و عبادتشان داده شده است.

او همچنین در تفسیر آیه‌ی «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» یعنی: و از مردم کسی است که گفتارش در زندگی دنیا تو را خوش آید، و خدا را بر آنچه در دل دارد شاهد می‌گیرد، در حالی که سرسخت‌ترین دشمنان است. (البقره، ۲۰۴)، با توجه به آیات «أَوَلَمْ يَرَأِ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ» یعنی: آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه‌ای [پست و ناچیز] آفریده‌ایم و اینک ستیزه‌گری آشکار است؟ (یس، ۷۷) و «أَوْ مَنْ يَنْشُرُوا فِي الْحَلِيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» یعنی: آیا کسی را [شریک خدا قرار

داده‌اند] که در زر و زیور پرورش یافته است و [هنگام] مجادله و بحث بیانش روشن نیست؟ (الزخرف، ۱۸) و «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» یعنی: یقیناً این کتاب را به درستی و راستی بر تو نازل کردیم؛ تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی، و حمایت گر خائنان مباش. (النساء، ۱۰۵)؛ «خصام» را به معنی استدلال و محاکمه گرفته و آیه را این گونه ترجمه کرده است: «آن شخص در مقام محاکمه و استدلال لجاجت به خرج می‌دهد» (شعار، ۸۶)؛ در حالی که اولاً: «خصام» در این آیه به هیچ وجه نمی‌تواند معنای مصدری داشته باشد؛ چون اگر معنای مصدری داشت باید به صورت «الد خصاماً» یا «الد فی الخصام» به کار می‌رفت؛ بنابراین، وجه جمع بودن این واژه بهتر است تا شبیه عبارت‌هایی همچون: «احسن القصص» و «احسن الخالقین» در خود قرآن باشد. ثانیاً: او اسم تفضیل (ألدُّ) را هم به صورت تفضیلی ترجمه نکرده و معنای فعل مضارع به آن داده است. شاید اگر از این زاویه وارد می‌شد که خصام جمع خصم است یا جمع خصیم، بهتر به نتیجه می‌رسید.

۳-۴- غیر روشمند بودن عملکرد قرآنیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به قرآن

با مراجعه به نگارش‌های تفسیری قرآنیان شیعه در می‌یابیم که عملکرد ایشان در استفاده از این روش تفسیری یکسان نبوده و در تفسیر برخی از آیات قرآن، بین ایشان اختلافاتی مشاهده می‌شود؛ از جمله، برقی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَنْتُمْ يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» یعنی: و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی را دفع می‌کند، و نه از کسی شفاعتی می‌پذیرند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فدیة و عوضی می‌گیرند، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می‌شوند. (البقره، ۴۸)؛ شفاعت اخروی را انکار کرده و در دنیا آن را به معنی استغفار و در حق مؤمنانی که خداوند از دین و اعمال آنان خشنود باشد، روا دانسته است (برقی قمی، ت، ۱/۹۵)؛ درحالی که یوسف شعار، در تفسیر همین آیه، با اشاره به آیات دیگری درباره‌ی شفاعت می‌گوید: «این قسمت از آیات، وجود شفاعتی را در روز قیامت ثابت می‌کند و می‌گوید: شفاعت کنندگانی خواهند بود منتهی توضیح می‌دهد که ... فقط کسانی حق شفاعت خواهند داشت که خداوند به ایشان اجازه دهد و از مقربین الهی باشند و این شفاعت درباره‌ی کسانی خواهد بود که خدا به بخشوده شدن آنان راضی باشد» (شعار، ۴۲).

آیه‌ای که انتخاب کردیم از آیات عقیدتی است که طبق نظر قرآنیان قابل فهم و کافی و بی‌نیاز از سنت است و بنابراین، نباید برداشت و تفسیر افراد مختلف به خصوص قرآنیان که مبنای فهم قرآن را خود قرآن می‌دانند از این آیه متفاوت باشد؛ اما با این وجود، از تطبیق این دو تفسیر، چنین به دست می‌آید که برقی شفاعت اخروی را به هیچ وجه قبول ندارد و تنها وجهی از شفاعت که مورد قبول او است شفاعت دنیوی به معنی استغفار است؛ درحالی که یوسف شعار، شفاعت اخروی را برای مقربان درگاه الهی به اذن خداوند در حق کسانی که خداوند به بخشوده شدن آنان

راضی باشد، اثبات می‌کند (شعار، ۱۳۶۹: ۴۲) و این نمونه‌ای از هماهنگی نبودن قرآنیان در استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن است.

۴- نتایج مقاله

با بررسی روش قرآنیان شیعه در خصوص روش تفسیر قرآن به قرآن، نتایج ذیل، حاصل می‌شود:

۴-۱- قرآنیان شیعه در برخی از موارد، برخلاف دیدگاه خود، روش تفسیری قرآن به قرآن را در صدر روش‌های خویش قرار نداده و به جای آن، از روش‌های دیگری استفاده کرده‌اند و در مجموع، بهره‌گیری ایشان از روش یاد شده، فراگیر نبوده و در برخی از موارد، از آن استفاده نکرده‌اند.

۴-۲- در برخی از موارد، آنها به جای استفاده از تمامی آیات مشابه و همسو، تنها به تعدادی از آیات توجه کرده و تعدادی دیگر را نادیده گرفته‌اند و در مواردی روشمند و یکسان عمل نکرده‌اند و تفسیرشان متفاوت بوده است.

۴-۳- آنها در به‌کارگیری روش تفسیری، گاهی دچار خطا شده و تفسیری که بر اساس این روش ارائه نموده‌اند قابل قبول نبوده است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن تیمیه، احمد، مقدمه فی اصول التفسیر، تحقیق فواز احمد زمرلی، چاپ دوم، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۸ ق/۱۹۹۷ م.
- ۳- الهی بخش، خادم حسین، القرآن و شبهاتهم حول السنه، چاپ دوم، طائف: مکتبه الصدیق، ۱۴۲۱ ق.
- ۴- برقعی قمی، سید ابوالفضل، تابشی از قرآن، بی تا بی چاپی جا.
- ۵- همو، سوانح ایام در زندگانی خادم الاسلام علامه‌ی برقعی، تصحیح اسحاق دبیری، چاپ اول، ۱۳۸۷/۱۴۲۹.
- ۶- همو، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، تحریر دوم، ۱۴۳۱/۱۳۸۸.
- ۷- تقوی، سید صادق، یک روش جدید و علمی برای از بین بردن کلیه اختلافات جزئی مسلمانان، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۸- جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، چاپ چهارم، تهران، خانه‌ی کتاب، ۱۳۹۱ ش.
- ۹- همو، سید اسدالله خرقانی روحانی نوگرایی روزگار مشروطه و رضاشاه، چاپ اول، تهران: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۰- حسینی طباطبایی، مصطفی، بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث نقد کتب حدیث بی تا، بی چاپی جا.
- ۱۱- همو، آیا سجده بر غیر زمین جایز است، مراجعه و تصحیح: اسحاق دبیری، بی چاپی تا، بی چاپی جا.
- ۱۲- حسینی طباطبائی، مصطفی، راهی به سوی وحدت اسلامی، بی چاپی تا، بی چاپی جا.
- ۱۳- حکمی زاده، علی اکبر، اسرار هزارساله، چاپ نخست، همراه با شماره ۱۲ از نشریه پرچم، ۱۳۲۲.
- ۱۴- خرقانی، سید اسدالله، محو الموهوم و صحو المعلوم، بی چاپی ناشر: غلامحسین نورمحمدی خمسه پور، بی تا بی چاپی جا.
- ۱۵- روشن ضمیر، محمدابراهیم، جریان شناسی قرآن بسندگی، چاپ اول، تهران: ۱۳۹۰ ش.
- ۱۶- زرنگار، حنیف، یادی از یار، شرح مختصری از زندگی استاد حیدر علی قلمداران، بی چاپی تا، بی چاپی جا.
- ۱۷- سنگلجی، محمدحسن (شریعت)، توحید عبادت، چاپ سوم، بی چاپی تا، ۱۳۸۶/۱۴۲۸.
- ۱۸- همو، کلید فهم قرآن، چاپ پنجم، بی تا، بی چاپی جا.
- ۱۹- همو، محو الموهوم، بی چاپی تا، بی چاپی تا، ۱۳۲۳ ش.
- ۲۰- شعار، یوسف، تفسیر آیات مشکله، چاپ سوم، تهران: مجلس تفسیر قرآن، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۱- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲۲- فرید تنکابنی، عبد الوهاب، اسلام و رجعت، بی چاپی تا، بی چاپی جا.

۲۳- قلمداران، حیدر علی، ارمغان آسمان در بیان عوامل و علل ارتقاء و انحطاط مسلمانان، بی‌چا، بی‌تا، بی‌جا.

۲۴- همو، بحثی عمیق پیرامون مسأله خمس مأخوذ از کتاب و سنت، بی‌چا، بی‌تا، بی‌جا.

۲۵- کسروی، احمد، در پیرامون اسلام، چاپ دوم، بی‌جا، ۱۳۲۳.

۲۶- مجلس تفسیر تبریز، زندگینامه علامه فقید مفسر شهیر قرآن مجید شادروان آقای حاج میرزا یوسف شعار، تبریز: چاپ شفق، ۱۳۵۱.

۲۷- مختصری از زندگینامه استاد سید مصطفی حسینی طباطبائی، بی‌چا، بی‌تا، بی‌جا.

منابع دیجیتالی:

۲۸- حب الله، حیدر، نظریه السنه فی الفكر الإمامی الشیعی التکوین والصره، بیروت: دار الانتشار العربی، (کتابخانه‌ی دیجیتالی نور)، ۲۰۰۷.

۲۹- رنه دالمانی، هانری، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، متن. (نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵ ش.

۳۰- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ: اول، (نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: انتشارات بهزاد، ۱۳۸۷ ش.

۳۱- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ بیستم، (نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.

۳۲- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ هفتم، (نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.

۳۳- معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، (ناشر الکترونیک: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه‌ی اصفهان)، قم: موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹.

۳۴- نرم افزار نویسیار قرآن (مرکز کامپیوتری نور).

سایت‌ها:

۳۵- آل غفور، سید محسن، شیخ هادی نجم‌آبادی فقیه روشنفکر و قرآن‌پژوه سیاسی، نشریه‌ی علوم سیاسی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۹، شماره ۲۷۵ و ۲۷۶ (سایت تخصصی مجلات نور به آدرس اینترنتی www.noormags.com).

۳۶- حسینی ورجانی، خاطرات، بخش هفتم، وبلاگ قرآنیان به آدرس اینترنتی:

h-varjani.blogfa.com/post-45.aspx

۳۷- سایت کتاب و کتابخانه (شهرنامه) بخش کتابخانه (کتابخانه‌ی فرید) به آدرس اینترنتی:

<http://ketab.shahrnameh.com/index.php?>

۳۸- فقیه حقانی، موسی، نقش وهابیت شیعه در تاریخ معاصر ایران (سخنرانی).

<http://www.ammarha.com/news/۳۳۷۰.htm>

۳۹- مدرسی چهاردهی، مرتضی، شریعت سنگلجی، نشریه ادبیات و زبانها « وحید »، مرداد ۱۳۵۲- شماره

۱۱۶ (سایت تخصصی مجلات نور www.noormags.com).

۴۰- مرسلوند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ۱۳۷۶، تهران (کتابخانه دیجیتال نور).

۴۱- نبوی رضوی، سید مقداد، نگاهی تحلیلی به تکاپوهای فکری شریعت سنگلجی، نشریه ی فلسفه و کلام «

امامت پژوهی» زمستان ۱۳۹۰، شماره ۴ (سایت تخصصی مجلات نور www.noormags.com).

۴۲- ویکی پدیا دانشنامه آزاد، به آدرس اینترنتی: علی اکبر- حکمی زاده <http://fa.wikipedia.org/wiki/>